

Amīr al-Mu' minīn's Being the First Muslim Based on Establishing the Mutawātir Nature of the Narrations and Refuting Opposing Claims*

Research Article

Emamatpajouhi,
Thirteenth year, vol .1
Spring & Summer 2023
DOI:10.22034/
jep.2025.485092.1633
jep.emamat.ir



copyright© the authors

Milad Lotfi¹ / Hadi Akbari Soulegan² / Asghar Safari³

Abstract

One of the requirements of hadith and historical studies concerning the major events of early Islam is to clarify and analyze the narrations and reports about the first Muslim and the first believer in the Messenger of God (peace be upon him). The importance of this issue lies in the fact that being the first Muslim is a very lofty virtue, and the existence of conflicting narrations in this area calls for an independent study. Therefore, it is necessary to find an answer and present a realistic analysis from among the many diverse narrations, especially since the existing reports confirm that Amīr al-Mu' minīn 'Alī (peace be upon him) was the first Muslim, while certain political-religious currents sought to strip him of this important virtue by assigning it to other figures through fabricated reports. Using a library-based method and a descriptive-analytical approach, this study examines the issue. The findings show that, based on notable mutawātir narrations and reports, Amīr al-Mu' minīn 'Alī (peace be upon him) was, without any doubt, the first Muslim and the first believer in the Messenger of God (peace be upon him), and that the reports concerning the precedence of other early Islamic figures—Zayd ibn Hārithah, Abū Bakr, and Khadīja (peace be upon her)—in believing in the Messenger of God (peace be upon him) suffer from isnād and semantic problems and are not acceptable.

Keywords: first Muslim; virtue; ma'nawī tawātur; Amīr al-Mu' minīn; Khadīja; Zayd ibn Hārithah; Abū Bakr.

*. Data of receipt: 23/10/2024, Data of acceptance: 25/12/2024.

1. Master's Graduate, Specialized Institute of Hadith Sciences, Qom, Iran. (Corresponding Author). miladlotfimm25@gmail.com.
2. PhD Graduate, Imam Reza Higher Seminary Institute, Major in Prophet Muhammad Studies, Qom, Iran. akbarisoulegan@chmail.ir.
3. Advanced Seminary Student (tablah khārij in Jurisprudence), Bushehr, Iran. safari.1419@gmail.com.

أولية إسلام أمير المؤمنين عليه السلام على أساس إثبات تواتر الروايات وردّ الفرضيات المعارضة*

ميلاد لطفی^١ / هادي أكبري سوغان^٢ / أصغر صفري^٣

مقالة محكمة

امامت پژوهشی
السنة الثالثة عشرة
العدد الأول، الربيع
والصيف سنة ٢٠٢٣
jep.emamat.ir



الملخص

يعدّ تبين وتحليل الروايات والتقارير المتعلقة بأول من آمن برسول الله ﷺ من المتطلبات الأساسية في البحوث الحديثية والتاريخية المرتبطة بأحداث صدر الإسلام. وتنبع أهمية هذا الموضوع من كون السبق إلى الإسلام فضيلة رفيعة الشأن، كما أنّ وجود روايات معارضة في هذا المجال يستدعي دراسة مستقلة ومعقّلة. وبناء على ذلك، تبرز ضرورة الوصول إلى نتيجة علمية وتقديم تحليل واقعي في ظلّ كثرة الروايات وتنوّعها، ولا سيما أنّ التقارير المتوفرة تؤكّد أولية إسلام أمير المؤمنين عليه السلام، في حين سعت تيارات سياسية ومذهبية معينة إلى سلب هذه الفضيلة العظيمة منه، عبر إسنادها إلى شخصيات أخرى من خلال وضع الروايات وإختلاقها. اعتمد هذا البحث على المنهج المكتبي وبمقاربة وصفية تحليلية لدراسة هذه المسألة. وتشير نتائج البحث إلى أنّ أمير المؤمنين عليه السلام هو أول من أسلم وآمن برسول الله ﷺ، وذلك استناداً إلى روايات وتقارير معتبرة بلغت حدّ التواتر. كما يتبيّن أنّ الروايات القائلة بتقدّم شخصيات أخرى من صدر الإسلام، مثل زيد بن حارثة وأبي بكر والسيدة خديجة عليها السلام، في الإيمان برسول الله ﷺ، تعاني من إشكالات سندية ودلالية، ولا يمكن قبولها من الناحية العلمية.

الكلمات المفتاحية: أول المسلمين، الأفضلية، التواتر المعنوي، أمير المؤمنين عليه السلام، خديجة عليها السلام، زيد بن حارثة، أبو بكر.

*. تاريخ التسليم: ٢٣/١٠/٢٠٢٤، تاريخ القبول: ٢٥/١٢/٢٠٢٤.

١. حاصل على درجة الماجستير، المعهد التخصصي لعلوم الحديث، قم، إيران. (المؤلف المسؤول). miladlotfimm25@gmail.com.

٢. حاصل على درجة البكالوريوس والدكتوراه، المعهد العالي الحوزوي الإمام رضا عليه السلام، تخصص النبي الأعظم ﷺ، قم، إيران. akbarisoulegan@chmail.ir.

٣. طالب خارج الفقه، بوشهر، إيران. safari.1419@gmail.com.

نخستین مسلمان بودن امیرالمؤمنین علیه السلام بر پایه اثبات تواتر روایات و ردّ گمانه های معارض*

میلاد لطفی^۱ / هادی اکبری سوگان^۲ / اصغر صفری^۳

چکیده

یکی از بایسته های پژوهش های حدیثی و تاریخی درباره رویدادهای مهم صدر اسلام، تبیین و تحلیل روایات و گزارش های مربوط به نخستین مسلمان و ایمان آورنده به رسول خدا صلی الله علیه و آله است. اهمیت این موضوع و تلاش برای دستیابی به پاسخ آن از این روست که نخستین مسلمان بودن، فضیلتی بسیار والا است و وجود روایات معارض در این عرصه، پژوهشی مستقل می طلبد. بر این اساس، یافتن پاسخ و ارائه تحلیلی واقع بینانه از میان روایات متعدد و مختلف ضرورت می یابد؛ به ویژه آنکه گزارش های موجود، اول مسلمان بودن امیرالمؤمنین علیه السلام را تأیید می کنند و جریان های خاص سیاسی - مذهبی در صدد سلب این فضیلت مهم از آن حضرت با اختصاص این فضیلت به دیگر شخصیت ها از طریق جعل روایات بوده اند. پژوهش حاضر با استفاده از روش کتابخانه ای و با رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی این موضوع پرداخته است. یافته های این پژوهش نشان می دهد براساس روایات و گزارش های قابل متواتر، امیرالمؤمنین علیه السلام نخستین مسلمان و ایمان آورنده به رسول خدا صلی الله علیه و آله

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۵.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد، مؤسسه تخصصی علوم حدیث، قم، ایران. (نویسنده مسئول).
miladlotfimm25@gmail.com

۲. دانش آموخته کارشناسی دکترا، مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام، رشته پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، قم، ایران. akbarisoulegan@chmail.ir

۳. طلبه خارج فقه، بوشهر، ایران. safari.1419@gmail.com

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
امامت پژوهی، سال سیزدهم
شماره اول، شماره پیاپی ۳۳
بهار و تابستان ۱۴۰۲
صفحه ۲۵۷ - ۲۸۰

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2025.485092.1633



copyright© the authors

است و روایات مربوط به پیشگامی دیگر شخصیت‌های صدر اسلام - زید بن حارثه، ابو بکر و حضرت خدیجه علیها السلام - در ایمان آوردن به رسول خدا صلی الله علیه و آله با اشکالات سندی و دلالی مواجه بوده و قابل پذیرش نیست.

واژگان کلیدی: نخستین مسلمان، افضیلت، تواتر معنوی، امیرالمؤمنین علیه السلام، خدیجه علیها السلام، زید بن حارثه، ابو بکر.

مقدمه

احادیث فراوان و گزارش‌های تاریخی بسیاری در منابع فریقین، گواه بر نخستین مسلمان بودن حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است. به این افتخار در فرمایشات آن حضرت، اشاره شده است. جریان‌های ناپاک در صدر اسلام همواره در تلاش بودند تا این افتخار را از آن حضرت سلب کرده، به دیگران نسبت دهند یا دیگران را در آن شریک سازند. این تلاش بی‌فروغ، زائیده جریان بزرگ‌تری است که سعی در جلوگیری از نشر فضائل اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله داشته است.

شایان ذکر است، گرچه پژوهشگران شیعی معاصر تلاش‌های قابل‌تقدیری در این زمینه به ثمر رسانده‌اند، اما در تلاش‌های صورت گرفته، علی‌رغم نقاط قوت، کاستی‌هایی نیز وجود دارد؛ چه آنکه در آن‌ها یا به اختلاف و گزارش‌های موجود در این باره اشاره نشده، یا در صورت اشاره، بیان وجود اختلاف در حد ذکر اسامی برخی افراد بوده و تحلیل جامعی از همه آن‌ها ارائه نشده است.

پژوهش حاضر درصدد است تلاش خویش را در ارائه اثری جامع در این زمینه به کار گیرد. از این رو، با تحلیل دقیق تمام گزارش‌های تاریخی، ابتدا به نقد و رد گمانه‌های مطرح در طول تاریخ اسلام پرداخته، سپس بر پایه گردآوری روایات و اثبات تواتر آن‌ها و نیز با استناد به صحت سندی بخشی از این گزارش‌ها، نخستین مسلمان بودن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را بیان می‌کند.

۱. مقالاتی چون: غفوریان، حسین و طبسی، محسن، «اعتبارسنجی احادیث تقدم اسلام امیرالمؤمنین علیه السلام در منابع اهل سنت» امامت پژوهی، شماره ۳۱، ص ۴۳-۹۷؛ طبسی، محمد محسن «نخستین یار پیامبر صلی الله علیه و آله کیست؟» کوثر، ش ۵۶؛ حسینی، سید کریم حسین، «نخستین مؤمن و آگاهانه‌ترین ایمان» صراط، ش ۱۰، ص ۴۷-۷۴.

ناگفته نماند، سخن از تقدّم ایمان آن حضرت، به معنای ابراز ایمان و علنی کردن آن است؛ زیرا بر پایه باورهای عمیق شیعی برخاسته از احادیث اهل بیت علیهم السلام، آن حضرت تولدشان بر نور ایمان و در خانه کعبه تحقق یافته بود و پس از آغاز نهضت اسلام، آن را ابراز داشتند؛ همان نکته‌ای که درباره خود حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله نیز بدان باور داریم.^۱

بررسی نخستین مسلمان در متون حدیثی و تاریخی

۱. زید بن حارثه

زید بن حارثه بن شرحبیل بن کعب بن عبد العزی بن امرئ القیس کلبی. براساس نقل کتب تاریخی، در اثر حمله عده‌ای اسیر شد و در بازار عکاظ به فروش رفت.^۲ حکیم بن حزام، برادرزاده حضرت خدیجه علیها السلام، در سفری که از شام بر می‌گشت، او را به همراه چند تن دیگر خرید و به مکه آورد. حضرت خدیجه علیها السلام او را انتخاب کرده و با خود به منزلش برد و سپس با درخواست رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به آن حضرت بخشید و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز زید را آزاد کرده، پسر خود خواند.^۳

پدر زید، پس از اطلاع از مکان او، برای بازگرداندن وی به مکه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و درخواست بازگرداندن زید را کرد، اما زید به دلیل محبتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله دیده بود از بازگشتن امتناع ورزید. پیامبر صلی الله علیه و آله چون این رفتار او را دید، وی را به حجر اسماعیل برد و فرمود: «همگان آگاه باشند که زید چون پسر من است و او از من و من از او ارث می‌برم». پس از آن، زید را زید بن محمد می‌گفتند.

۱. ر.ک: فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین وبصيرة المتعطين، ۷۷/۱؛ قمی، شاذان بن جبرئیل، الفضائل، ۵۴/۱؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۲۷۷/۱۸؛ بیابانی اسکویی، محمد، جایگاه عالم ذر و ارواح در فطرت توحیدی انسان، ص ۴۳-۵۹۲؛ عبدی، جواد، شرح آفرینش نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۰-۲۰۰؛ توران، امداد، خلقت نوری پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل البیت علیهم السلام در اندیشه امامیه نخستین، ص ۱۰-۳۱۸.

۲. زهری، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ۲۹/۳؛ بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ۴۶۷/۱.

۳. حمیری، عبد الملك بن هشام، السيرة النبوية، ۲۴۷/۱.

وقتی زید به سن ازدواج رسید، پیامبر ﷺ دختر عمه اش «زینب» را به ازدواج با او درآورد.^۱ بعد از آن که زید از زینب جدا شد، پیامبر ﷺ زینب را به همسری خود برگزید. از آنجایی که پیامبر ﷺ زید را پسر خود خوانده بود، بعضی این مسئله را مطرح کردند که پیامبر ﷺ با عروستش ازدواج کرده است. در پاسخ، خداوند این آیه شریفه را نازل فرمود: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»^۲. پس از نزول این آیه، وی را «زید بن حارثه»^۳ نامیدند. سرانجام زید در جنگ موته به شهادت رسید.^۴

۱-۱. گزارش های نخستین مسلمان بودن زید بن حارثه

به طور کلی، گزارش هایی که بر مسلمان بودن زید بن حارثه دلالت دارند، شامل چند گونه است: برخی گزارش ها، اسلام وی را بعد از امام علی (ع) می دانند. برخی گزارش ها، وی را اولین مسلمان از موالی می شمارند. برخی گزارش ها، او را اولین مسلمان از مردان می دانند. برخی دیگر، به طور مطلق وی را اولین مسلمان معرفی می کنند. از آنجایی که بحث ما در مورد اولین شخص مؤمن به پیامبر ﷺ است، مباحث حول محور گزارش هایی خواهد بود که وی را اولین مسلمان معرفی کرده اند.

۱-۱-۱. گزارش های واقدی

۱. حَدَّثَنِي الْحَارِثُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَعْدٍ، قَالَ: قَالَ الْوَاقِدِيُّ: حَدَّثَنِي ابْنُ أَبِي ذُئْبٍ، قَالَ: سَأَلْتُ الزَّهْرِيَّ: مَنْ أَوَّلُ مَنْ أَسْلَمَ؟ قَالَ: مِنَ النِّسَاءِ خَدِيجَةُ، وَمِنَ الرِّجَالِ زَيْدُ بْنُ حَارِثَةَ.^۵

۲. حَدَّثَنِي الْحَارِثُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَعْدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِو [الوَاقِدِيُّ]، قَالَ: حَدَّثَنَا مُصْعَبُ بْنُ ثَابِتٍ، عَنْ أَبِي الْأَسْوَدِ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ يَسَارٍ،

۱. زهری، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ۱۰/۸.

۲. احزاب: ۴۰.

۳. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ۴۶۸/۱؛ حمیری، عبد الملك بن هشام، السيرة النبوية، ۲۴۸/۱.

۴. همان، ۴۷۳/۱.

۵. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ۳۱۶/۲.

قال: أول من أسلم زيد بن حارثة^١.

٣. حدّثني الحارث، قال: حدّثنا محمّد بن سعد، قال: أخبرنا محمّد (ابن عمر) قال:

حدّثنا ربيعة بن عثمان، عن عمران بن أبي أنس، مثله^٢.

٤. حدّثني محمّد بن سعد، عن الواقدي، عن ربيعة بن عثمان، عن عمران بن أبي أنس،

وعن الواقدي، عن ابن أبي ذئب، عن الزهري: أنّ أول من أسلم من الرجال زيد بن

حارثة مولى رسول الله ﷺ. ثمّ أسلم الناس بعده^٣.

٥. حدّثني محمّد بن ثابت، عن الواقدي، عن مصعب بن ثابت بن عبد الله بن الزبير،

عن أبي الأسود، عن سليمان بن يسار، قال: أول من أسلم زيد بن حارثة^٤.

٦. حدّثني محمّد بن سعد، حدّثنا أبو عبد الله -يعني الواقدي-، أنبأ ابن أبي ذئب،

عن الزهري قال: أول من أسلم زيد بن حارثة^٥.

٧. حدّثني محمّد بن سعد، عن الواقدي، عن محمّد بن الحسن بن أسامة بن زيد،

عن حسين المازني، عن يزيد بن عبد الله بن قسيط، عن محمّد بن أسامة قال: أول

من أسلم زيد بن حارثة^٦.

٢-١-١. گزارش های عبد الله بن لهيعة

١. حدّثني عبد الرحمن بن عبد الله بن عبد الحكم، قال: حدّثنا عبد الملك بن

مسلمة، قال: حدّثنا ابن لهيعة، عن أبي الأسود، عن عروة، قال: أول من أسلم

زيد بن حارثة^٧.

٢. أبو شعيب الحراني، حدّثنا سعد بن أبي مريم، حدّثنا ابن لهيعة، عن ابن شهاب،

قال: أول من أسلم زيد بن حارثة^٨.

١. همان.

٢. همان.

٣. بلاذري، احمد بن يحيى، أنساب الأشراف، ١١٢/١.

٤. همان.

٥. همان، ٤٧٠/١.

٦. همان.

٧. همان.

٨. طبرانی، سليمان بن أحمد، المعجم الكبير، ٨٤/٥.

۳-۱-۱. گزارش های محمد بن عیسی

۱. حدّثني هشام بن عمار، ثنا محمد بن عیسی بن سمیع، عن ابن أبي ذئب، عن الزهري، عن (ابن) المسيّب قال: أول النساء إسلاماً خديجة، ومن الرجال زيد بن حارثة.^۱
۲. حدّثني هشام بن عمار، عن محمد بن عیسی بن سمیع، عن ابن أبي ذئب، عن الزهري، قال: أول من أسلم من النساء خديجة ومن الرجال زيد بن حارثة.^۲

۴-۱-۱. گزارش عبد الرزاق

- أخبرنا عبد الرزاق، عن معمر، عن الزهري قال: ما علمنا أحداً أسلم قبل زيد بن حارثة.^۳

۲-۱-۲. نقد و بررسی گزارش های نخستین مسلمان بودن زيد بن حارثة

روشن شد که گزارش های بیانگر نخستین مسلمان بودن زيد بن حارثة، از چهار راوی: واقدی، عبد الله بن لهيعة، محمد بن عیسی و عبد الرزاق نقل شده است. در ادامه این گزارش ها را نقد و بررسی خواهیم کرد.

۳-۲-۱. نقد گزارش های واقدی

واقدی از نظر عالمان رجالی شیعه و سنی تضعیف شده است. مسلم درباره وی نوشته است: «به حدیث واقدی عمل نمی شود».^۴ نسائی گفته است: «واقدی ثقه نیست».^۵ بخاری گفته: «از واقدی حتی یک حرف نقل نکردیم».^۶ احمد بن حنبل و شافعی نوشته اند: «واقدی دروغ گو بوده و روایاتش نیز دروغ است».^۷ علامه امینی رحمته الله علیه فرموده

۱. همان.

۲. بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ۱/۱۲۵.

۳. صنعانی، عبد الرزاق بن همام، المصنّف، ۱۰/۲۶۸.

۴. رازی، عبد الرحمن بن ابی حاتم، الجرح والتعديل، ۸/۲۱؛ ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، ۹/۴۶۲.

۵. بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ۲/۱۴.

۶. ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال في نقد الرجال، ۳/۶۵؛ همو، سیر أعلام النبلاء، ۹/۴۶۳؛ عسقلانی، احمد بن علی، تهذيب التهذيب، ۹/۳۲۶.

۷. جرجانی، عبد الله بن عدی، الكامل في ضعفاء الرجال، ۶/۲۴۱.

است: «واقعی هزار حدیث نقل می‌کند که هیچ‌کدام پایه و اساس ندارد»^۱. شیخ مفید رحمته الله او را منحرف از امام علی علیه السلام دانسته است.^۲

۱-۲-۲. نقد گزارش‌های عبد الله بن لهیعه

گرچه گستره روایت و تبحر عبد الله بن لهیعه در حدیث و فقه مورد تحسین برخی مؤلفان قرار گرفته است،^۳ اما ضبط و اتقان او در نقل حدیث مورد تردید رجالیان واقع شده است. از این رو، به‌رغم اینکه حدیث وی در سنن ابو داود، ابن ماجه و ترمذی آمده است، بعضی رجال‌شناسان او را تضعیف کرده و معتقدند که ابن لهیعه در نقل حدیث تساهل داشته است.^۴ ضمن اینکه حدیث وی مبنی بر اول مسلمان بودن زید بن حارثه مقطوعه بوده و نزد اهل سنت ضعیف شمرده شده است.^۵

۱-۲-۳. نقد گزارش‌های محمد بن عیسی

ذهبی عالم رجالی اهل سنت درباره محمد بن عیسی بن سمیع نوشته است: «محمد بن عیسی، با اینکه راست‌گوست، اما خطاکار، پراشتباه و مدلس است»^۶. البته او توثیقاتی دارد که بر فرض پذیرش آنها، حدیث وی به دلیل مقطوع بودن قابل استناد نیست.

۱-۲-۴. نقد گزارش عبد الرزاق

گزارش عبد الرزاق بن همام به دلیل مقطوع بودن، قابل استناد نیست.

۱. امینی، عبد الحسین، الغدير في الكتاب والسنة والأدب، ۴۶۶/۵.

۲. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، ص ۴۹۲.

۳. زهری، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ۵۱۶/۷؛ رازی، عبد الرحمن بن ابی حاتم، الجرح والتعديل، ۱۴۸/۵؛ بستی، محمد بن حبان، المجروحین، ۱۱/۲-۱۲.

۴. ذهبی، محمد بن احمد، المغني في الضعفاء، ۳۵۲/۱؛ همو، میزان الاعتدال في نقد الرجال، ۱۹۴/۱ و ۴۷۵/۲؛ جرجانی، عبد الله بن عدی، الكامل في ضعفاء الرجال، ۱۴۵/۴؛ عسقلانی، احمد بن علی، تهذيب التهذيب، ۳۳۰/۵؛ زهری، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ۵۱۶/۷؛ بغدادی، یحیی بن معین، معرفة الرجال، ۶۷/۱؛ بخاری، محمد بن اسماعیل، الضعفاء الصغیر، ۶۹/۱.

۵. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، تدریب الزاوی، ۲۶۳/۱.

۶. ذهبی، محمد بن احمد، المغني في الضعفاء، ۶۲۲/۲.

بر اساس آنچه گذشت، باید گفت: گزارش هایی که از طریق واقدی، عبد الله بن لهیعه، محمد بن عیسی و عبد الرزاق مبنی بر نخستین مسلمان بودن زید بن حارثه نقل شده است، اولاً اندک است و قابل تعارض با روایات و گزارش های نخستین مسلمان بودن حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، حضرت خدیجه (علیها السلام) و حتی ابو بکر نیست، ثانیاً علاوه بر ضعف برخی از روایان، این گزارش ها مستند به کلام هیچ یک از صحابه نبوده، بلکه توسط طبقه بعد از صحابه نقل شده و مقطوعه است. ازاین رو، براساس ارزشیابی گزارش های تاریخی، زید بن حارثه نمی تواند نخستین مسلمان باشد.

۲. ابو بکر

ابو بکر که طبق نظر اهل سنت، اولین خلیفه پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است، در زمان جاهلیت عبد الکعبه نام داشت که پس از اسلام، پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را عبد الله نام نهاد. لقب وی عتیق و نسبتش عبد الله بن عثمان بن عامر بن عمرو بن کعب بن سعد بن مره گفته شده است.^۱

۲-۱. گزارش های نخستین مسلمان بودن ابو بکر

گزارش هایی که در آن به اول مسلمان بودن ابو بکر اشاره شده، عبارت اند از:

۱. حدّثنا ابن المثنی، قال: حدّثنا محمّد بن جعفر، قال: حدّثنا شعبه، عن عمرو بن مّرة، عن أبي حمزة، عن زید بن أرقم، قال: أول من أسلم مع رسول الله (صلی الله علیه و آله) علي بن أبي طالب، قال: فذكرته للنخعي، فأنكره، وقال: أبو بكر أول من أسلم.^۲
۲. حدّثنا ابن حمید، قال: حدّثنا جریر، عن مغيرة، عن إبراهيم، قال: أول من أسلم أبو بكر.^۳
۳. حدّثنا أبو کریب، قال: حدّثنا وكيع، قال: حدّثنا شعبه، عن عمرو بن مّرة، قال: قال إبراهيم النخعي: أبو بكر أول من أسلم.^۴

۱. حمیری، عبد الملك بن هشام، السيرة النبویة، ۲۴۹/۱؛ طبری، محمّد بن جریر، تاریخ الطبری، ۴۲۵/۳؛ بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ۵۱/۱۰.
۲. طبری، محمّد بن جریر، تاریخ الطبری، ۳۱۰/۲.
۳. همان، ۳۱۵/۲.
۴. همان.

٤. حدّثنا سهل بن موسى الرازي، قال: حدّثنا عبد الرحمن بن مغراء، عن مجالد، عن الشعبي، قال: قلت لابن عباس: من أول الناس إسلاماً؟ فقال: أما سمعت قول حسان بن ثابت:

إذا تذكرت شجوا من أخي ثقه فاذكر أخاك أبا بكر بما فعلا
خير البرية أتقاها وأعدّها بعد النبي وأوفاها بما حملا
لثاني التالي المحمود مشهده وأول الناس منهم صدق الرسلا

٥. حدّثنا ابن حميد، قال: حدّثنا يحيى بن واضح، قال: حدّثنا الهيثم بن عدي، عن مجالد، عن الشعبي، عن ابن عباس، نحوه.^٢

٦. حدّثني سعيد بن عنبسة الرازي، قال: حدّثنا الهيثم بن عدي، عن مجالد، عن الشعبي، عن ابن عباس، نحوه.^٣

٧. حدّثني ابن عبد الرحيم البرقي، قال: حدّثنا عمرو بن أبي سلمة، قال: حدّثنا صدقة، عن نصر بن علقمة، عن أخيه، عن ابن عائذ، عن جبير بن نفير، قال: كان أبو ذر وابن عبسة كلاهما يقول: لقد رأيتني ربع الإسلام، ولم يسلم قبلي إلا النبي وأبو بكر وبلال، كلاهما لا يدري متى أسلم الآخر.^٤

٨. حدّثنا بحر بن نصر الخولاني، قال: حدّثنا عبد الله بن وهب، قال: أخبرني معاوية بن صالح، قال: حدّثني أبو يحيى وضمرة بن حبيب وأبو طلحة، عن أبي أمامة الباهلي، قال: حدّثني عمرو بن عبسة قال: أتيت رسول الله ﷺ وهو نازل بعكاظ، قلت: يا رسول الله، من تبعك على هذا الأمر؟ قال: اتبعني عليه رجلان، حر وعبد: أبو بكر وبلال، قال: فأسلمت عند ذلك، قال: فلقد رأيتني إذ ذاك ربع الإسلام.^٥

٩. روى ابن عساكر من طريق بهلول بن عبيد، حدّثنا أبو إسحاق السبيعي «عن الحارث، سمعت علياً يقول: أول من أسلم من الرجال أبو بكر الصديق، وأول من

١. همان، ٣١٤/٢.

٢. همان.

٣. همان، ٣١٨/٢.

٤. همان.

٥. همان، ٣١٥/٢.

صلی مع النبي ﷺ من الرجال علي بن أبي طالب^۱.

۱۰. حدّثني هشام بن عمار، حدّثنا صدقة بن خالد، حدّثنا زيد بن واحد، عن بسر بن عبيد الله، عن عائذ الله أبي إدريس، عن أبي الدرداء، قال: كنت جالساً عند النبي... فقال النبي ﷺ: إن الله بعثني إليكم فقلتم كذبت وقال أبو بكر صدق، واساني بنفسه وماله فهل أنتم تاركوا لي...^۲

۱۱. حدّثني أبو بكر محمد بن عبد الحميد، ثنا محمد بن زكريا، ثنا ابن عائشة، حدّثني أبي، عن عمّه، عن ربيعة بن أبي عبد الرحمن، عن سعيد بن المسيّب، قال: كان أبو بكر الصديق من النبي ﷺ الوزير، فكان يشاوره في جميع أموره وكان ثانيه في الإسلام وكان ثانيه في الغار...^۳

۲-۲. نقد و بررسی گزارش های نخستین مسلمان بودن ابو بکر

براساس آنچه گذشت، روشن شد که: در سه گزارش اول (گزارش های ۱ تا ۳) «ابراهیم نخعی» قرار دارد. در سه گزارش دوم (گزارش های ۴ تا ۶) «عبدالرحمن بن مغراء» و «مجالد» ذکر شده اند که به جهت رعایت اختصار فقط «مجالد» -راوی مشترک- بررسی می شود. در گزارش هفتم، «عمرو بن ابی سلمه» و «صدقه» -هر دو ضعیف هستند- ذکر شده اند که تنها «صدقه» بررسی می شود. در گزارش هشتم، «بحر بن نصر» و «معاویه بن صالح» -هر دو ضعیف هستند- ذکر شده اند که تنها «معاویه بن صالح» بررسی می شود. در گزارش نهم، «بهلول بن عبيد» و در گزارش دهم «هشام بن عمار» بررسی خواهند شد. در گزارش یازدهم، «محمد بن زكريا» و «ابن عائشه» هستند که بنا به گفته حاکم، هر دو مجهول اند.^۴

۲-۲-۱. بررسی راویان

۲-۲-۱-۱. ابراهیم نخعی

ابراهیم نخعی از راویان صحیحین است، اما ابن حبان گفته است: «او مصاحبت با

۱. دمشق، اسماعیل بن عمر، البداية والنهاية، ۲۷/۳.

۲. جزری، مبارک بن اثیر، جامع الأصول، ۵۹۳/۸.

۳. نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ۶۳/۳.

۴. همان.

هیچ‌یک از صحابه نداشته است»^۱. ذهبی نوشته: «او هیچ روایتی از صحابه متأخر نشنیده است»^۲. علائی گفته: «اکثر روایات وی مرسل است»^۳. احمد بن حنبل افزون بر مرسل دانستن روایات وی^۴، روایاتی که در مورد تقدّم اسلام ابو بکر نقل کرده را باطل دانسته است.^۵ بنابراین، گزارش وی مبنی بر اول مسلمان بودن ابو بکر مقطوع است.

۲-۲-۱-۲. مجالد

ابن سعد مجالد بن سعید بن عمیر را تضعیف کرده^۶ و نسائی قوت وی را در روایات در درجه بالایی نمی‌داند.^۷ احمد بن حنبل با این بیان: «یرفع كثيراً ممّا لا یرفعه الناس، لیس بشيء»^۸ حدیث وی را بی‌ارزش دانسته است. ابن حبان: «احتجاج به روایات وی جایز نیست چه اینکه وی اسناد روایات را جابجا می‌کرده و روایات مرسل به پیامبر ﷺ نسبت می‌داده است»^۹.

۲-۲-۱-۳. صدقه

بخاری، نسائی و احمد بن حنبل صدقه بن عبدالله را ضعیف دانسته‌اند^{۱۰}، و مسلم احادیث وی را شاذ معرفی کرده است.^{۱۱}

۱. بستی، محمد بن حبان، مشاهیر علماء الأمصار، ص ۲۵۸.

۲. ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، ۵۲۰/۴.

۳. عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التّهذیب، ۱۵۶/۱.

۴. شیبانی، احمد بن حنبل، فضائل الصّحابة، ۳۵۰/۳.

۵. همو، الجامع في العلل ومعرفة الرجال، ۲۵۴/۲.

۶. عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التّهذیب، ۳۸/۱۰؛ ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال، ۴۳۸/۳.

۷. عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التّهذیب، ۴۰/۱۰.

۸. ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال، ۳۴۸/۳.

۹. شیبانی، احمد بن حنبل، فضائل الصّحابة، ۱۴۲/۱؛ بغدادی، عبد الرحمن بن رجب، شرح علل الترمذی، ۴۱۹/۱؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ۳۰۴/۲؛ جوزی، عبد الرحمن بن علی، الضّعفاء والمتروکون، ۳۶/۳.

۱۰. جرجانی، عبدالله بن عدی، الکامل في ضعفاء الرجال، ۷۴/۴؛ ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال، ۳۱۰/۲؛ همو، سیر أعلام النبلاء، ۳۱۷/۷.

۱۱. ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، ۳۱۶/۷.

۴-۲-۱-۲. معاویه بن صالح

ابن عدی درباره معاویه بن صالح گفته است: «در روایات وی احادیث شاذ زیادی وجود دارد».^۱ ذهبی گفته: «بخاری به احادیث معاویه احتجاج نکرده است».^۲ ابواسحاق صلاحیت نقل حدیث از وی را رد کرده است.^۳

۵-۲-۱-۲. بهلول بن عبید

بهلول بن عبیدالله بن کندی از راویان ضعیف است. ابوحاتم رازی می‌گوید: «وی در احادیث تصرف می‌کرده است».^۴ ابو زرعه روایات وی را بی‌ارزش دانسته است.^۵ ابن عدی کسانی که از وی نقل حدیث کرده‌اند را محل تأمل دانسته است.^۶

۶-۲-۱-۲. هشام بن عمار

او هرچند از روایان صحاح سته - غیر از مسلم - است،^۷ اما تلقین قبول می‌کرده است.^۸ او اقرار کرده که باکی از نقل اشتباه ندارد.^۹

۳-۲. شعر منسوب به «حسان بن ثابت»

از جمله دلایلی که برای نخستین مسلمان بودن ابو بکر مطرح شده، شعری منسوب به «حسان بن ثابت» است.

jep.emamat.ir

۲۶۸

۱. جرجانی، عبد الله بن عدی، الكامل في ضعفاء الرجال، ۴۰۷/۶. لازم به ذکر است که از منظر برخی از عالمان اهل سنت، روایات شاذ، مورد اعتنا و اعتبار نیست. ر.ک: مدائنی، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ۱۲۵/۴؛ دمشقی، اسماعیل بن کثیر، الفصول في السيرة، ص ۲۲۳.

۲. ذهبی، محمد بن احمد، تذكرة الحفاظ، ۱۷۶/۱.

۳. عقیلی، محمد بن عمرو، الضعفاء الكبير، ۱۸۳/۴.

۴. رازی، عبد الرحمن بن ابی حاتم، الجرح والتعديل، ۴۲۹/۲.

۵. ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال، ۳۵۵/۱.

۶. جرجانی، عبد الله بن عدی، الكامل في ضعفاء الرجال، ۶۵/۲.

۷. مزّی، یوسف بن زکی، تهذیب الکمال في أسماء الرجال، ۲۴۵/۳۰.

۸. ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، ۴۲۵/۱۱.

۹. مزّی، یوسف بن زکی، تهذیب الکمال في أسماء الرجال، ۲۴۸/۳۰.

شیخ مفید نوشته است:

قول حسان حجت نیست؛ زیرا وی مردی شاعر بود و قصدش جز کسب دنیا و سلطنت چیز دیگری نبود. او بعد از رسول خدا ﷺ از امیرالمؤمنین ﷺ منحرف شده و عثمانی گشت، مردم را بر ضد آن حضرت دعوت و به یاری معاویه فرا می خواند. این معنی در اشعار وی نمایان است، آنجا که گفته است:

يا ليت شعري وليت الطير تخبرني
ما كان بين عليّ وابن عَقَّانا
ضحوا بأشمت عنوان السَّجود به
يقطع الليل تسبيحا وقرآنا
لتسمعن وشيكا في ديارهم
الله أكبر يا ثارات عثمانا

این شعر بر این دلالت دارد که امیرالمؤمنین ﷺ سبب قتل عثمان شده است. کسانی که شعر حسان در تقدّم ایمان ابو بکر را حجت می دانند، باید این شعر را نیز حجت بدانند. اگر کسی بگوید: حسان در نسبت دادن قتل عثمان به امیرالمؤمنین ﷺ اشتباه کرده، در پاسخ گفته می شود: از کجا معلوم که در نسبت تقدّم ایمان ابو بکر اشتباه نکرده باشد؟ اگر گفته شود: وی در مسئله تقدّم اسلام ابو بکر اشتباه نکرده است؛ زیرا این مطلب را در حضور جماعتی بیان کرده و آنان وی را انکار نکرده اند، در پاسخ گفته می شود: اینکه آن جماعت او را انکار نکرده اند دلیل بر این نیست که آنان سخن حسان را صحیح می دانستند؛ زیرا اکثر مردم پیرو ابو بکر بودند و مخالفان از ترس فتنه، در آشکار کردن مخالفت خود تقيه می کردند. ضمن اینکه شعر حسان فقط دلالت بر این دارد که ابو بکر از متقدّمین در اسلام بوده و حاکی از آن نیست که او اولین مسلمان است. افزون بر این، حسان در شعری به ذکر تقدّم ایمان امیرالمؤمنین ﷺ بر جمیع قریش اشاره کرده است:

جزى الله خيرا، والجزاء بكفه
أبا حسن عنا ومن كأبي حسن
سبقت قريشا بالذي أنت أهله
فصدرك مشروح وقلبك ممتحن

می‌توان گفت: این شعر، شعر قائلین به تقدم اسلام ابو بکر را باطل می‌کند.^۱

علامه سید جعفر مرتضی نیز نوشته است:

به اعتقاد ما تمامی این‌ها برای تقرب به درگاه امویان ساخته شده و بعید نیست که شعر حسان هم ساختگی باشد؛ زیرا ممکن نیست او به چیزی که پذیرفته امت، به خصوص صحابه بوده، مبادرت ورزد. چنانکه دو بیت اخیر دارای حشو فراوانی است و سیاق منسجمی ندارد. چه بسا بتوان گفت که این دو بیت از سبک حسان بیگانه است.^۲

کوتاه سخن آنکه گزارش‌های دال بر اول مسلمان بودن ابو بکر با اشکال روبرو بوده و قابل تعارض با احادیث و گزارش‌های اسلام امیرالمؤمنین علیه السلام هستند. بنابراین نمی‌توان ابو بکر را نخستین مسلمان دانست. اما درباره زمان ایمان آوردن وی به پیامبر صلی الله علیه و آله، مسلم است که پس از دعوت سری پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. علامه سید جعفر مرتضی، اسلام ابو بکر را در سال چهارم یا پنجم بعثت دانسته و در نقل قولی گفته است: «ابو القاسم کوفی ایمان وی را در سال هفتم ذکر کرده است».^۳ طبری نیز روایت کرده است: «...محمد بن سعد، قال: قلت لأبي: أكان أبو بكر أولكم إسلاماً؟ فقال: لا، ولقد أسلم قبله أكثر من خمسين».^۴ ابن ابی الحدید به نقل از ابو جعفر

۱. بغدادی، محمد بن نعمان، الفصول المختارة، ص ۲۵۸.

۲. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم صلی الله علیه و آله، ۳۲۵/۲.

۳. همان، ۳۳۰/۲.

۴. لازم به ذکر است که علامه امینی رحمته الله علیه در کتاب الغدير به صحت این روایت تصریح کرده است. امینی، عبد الحسین، الغدير في الكتاب والسنة والأدب، ۳۴۰/۳ و ۱۲۴/۷. همچنین در پژوهشی مستقل، سند این روایت بررسی و صحت آن به اثبات رسیده است. غفوریان، حسین و طبسی، محسن، «اعتبارسنجی احادیث تقدم اسلام امیرالمؤمنین علیه السلام»

اسکافی نیز، مسلمان شدن ابوبکر را پس از اصحابی چون علی بن ابی طالب علیه السلام، جعفر طیار، زید بن حارثه، ابوذر غفاری، عمرو بن عبسہ سلمی، خالد بن سعید بن عاص و خباب بن ارت دانسته است.^۱

۳. حضرت خدیجه علیها السلام

خدیجه دختر خویلد بن اسد بن عبد العزی بن قصی از خاندان قریش و فاطمه بنت زائد است^۲، ایشان زنی بازرگان و دارا بود.^۳ براساس منابع تاریخی، آشنایی خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله به سبب کاروان تجاری خدیجه بود که به شام می‌رفت و خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله برای شرکت در این تجارت دعوت کرد. پس از بازگشت پیامبر صلی الله علیه و آله از سفر، با ایشان ازدواج کرد.^۴

۳-۱. گزارش‌های نخستین مسلمان بودن حضرت خدیجه علیها السلام

در برخی روایات، حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان اولین مسلمان ذکر شده و برخی بر این مسئله ادعای اجماع کرده‌اند. ابن اثیر از جمله کسانی است که خدیجه علیها السلام را به طور مطلق اولین مسلمان دانسته^۵ و افرادی نیز وی را اولین از زنان معرفی کرده‌اند.^۶ از آنجایی که این گزارش‌ها اخباری واحد هستند، حتی در صورت صحت همه آن‌ها، قابل تعارض با روایات و گزارش‌های نخستین مسلمان بودن امیرالمؤمنین علیه السلام نیستند.^۷

در منابع اهل سنت، مجله امامت پژوهی، شماره ۳۱، ص ۴۳ - ۹۷. رک: طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ۳۱۶/۲.

۱. مدائنی، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ۲۲۴/۱۳.

۲. جزری، علی بن محمد، أسد الغابة في معرفة الصحابة، ۷۸/۶؛ قرطبی، یوسف بن عبد البر، الاستیعاب، ۱۷/۴.

۳. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ۲۸۱/۲.

۴. جزری، علی بن محمد، أسد الغابة، ۲۳/۱؛ طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ۲۸۰/۲.

۵. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ۲۸۰/۲.

۶. طبری، احمد بن عبد الله، الرياض النضرة، ۴۲۳/۱.

۷. در بررسی گزارشات اول مسلمان بودن امیرالمؤمنین علیه السلام اثبات خواهد شد که این گزارشات، اخباری متواترند و روشن است که اخبار واحد قابل تعارض با اخبار متواتر نیستند.

براین اساس می‌توان گفت اسلام حضرت خدیجه علیها السلام پس از امیرالمؤمنین علیه السلام و قبل از زید بن حارثه بوده و ایشان دومین ایمان آورنده به رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

۴. امیرالمؤمنین علیه السلام

در مطالب فوق گزارش‌های نخستین مسلمان بودن زید بن حارثه، ابو بکر و حضرت خدیجه علیها السلام بررسی شد و روشن شد که ایشان نمی‌توانند اولین مسلمان باشند. اکنون باید دید آیا امیرالمؤمنین علیه السلام می‌تواند نخستین مسلمان باشد یا خیر؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا چند گزارش درباره تقدم اسلام امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر شده، سپس تواتر آن‌ها اثبات می‌شود. سپس اسناد چند گزارش بررسی می‌شود. در پایان با طرح و پاسخ به دو مسئله، نخستین مسلمان بودن امیرالمؤمنین علیه السلام ثابت می‌شود.

۴-۱. گزارش‌های نخستین مسلمان بودن امیرالمؤمنین علیه السلام

بررسی متون حدیثی و تاریخی نشان می‌دهد که روایات دال بر نخستین مسلمان بودن امیرالمؤمنین علیه السلام بسیار فراوان است، به گونه‌ای که هرکس بدان‌ها مراجعه کند، در تقدم اسلام ایشان تردید نمی‌کند. لازم به ذکر است، ذکر همه روایات خارج از حدود این نوشتار است، از این رو فقط به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. انس بن مالک، ۲. زید بن ارقم، ۳. لیلی غفاریه، ۴. سلمان فارسی، ۵. ابوذر غفاری
۶. برید اسلمی، ۷. جابر بن عبد الله انصاری، ۸. ابو رافع، ۹. خباب بن ارت، ۱۰.
- عمر بن خطاب، ۱۱. ابو ایوب انصاری، ۱۲. ابن عباس، ۱۳. ابوسعید خدری، ۱۴.
- مقداد بن عمرو کندی، ۱۵. حذیفه بن یمان، ۱۶. عبد الله بن مسعود، ۱۷. مالک بن
- حارث اشتر، ۱۸. عدی بن حاتم، ۱۹. محمد بن حنفیه، ۲۰. طارق بن شهاب احمسی،
۲۱. عبد الله بن حجل، ۲۲. عبد الله بن خباب بن ارت، ۲۳. عبد الله بن برید، ۲۴.
- محمد بن ابی بکر، ۲۵. ابو عمرة بشیر بن محصن، ۲۶. ابو عمرو عامر شعبی کوفی، ۲۷.
- حسن بصری، ۲۸. قتادة بن دعامة، ۲۹. محمد بن منکدر، ۳۰. سلمة بن دینار مدنی،
۳۱. ربیعة بن ابی عبد الرحمن مدنی، ۳۲. محمد بن سائب کلبی، ۳۳. محمد بن اسحاق بن یسار، ۳۴. حبة بن جوین عرنی و دیگران، نقل و انتقال یافته‌اند.^۱

۱. ر.ک: ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، ۶۴۰/۵؛ عبسی، عبد الله بن محمد،

۲-۴. تواتر داشتن اخبار تقدم اسلام امير المؤمنين عليه السلام

برای بهره‌برداری از یک حدیث یا گزارش، شرط اول اطمینان از صدور و حجیت آن است. بررسی سندی تنها برای اخبار «واحد» ضروری است. اخبار «متواتر» بی‌نیاز از بررسی سندی هستند؛ زیرا تراکم راویان در هر طبقه، احتمال ساخته بودن حدیث را منتفی می‌کند.^۱

۳-۴. تعدد طبقات اخبار تقدم اسلام امير المؤمنين عليه السلام

آنچه موجب تقسیم خبر به «واحد» و «متواتر» شده، توجه به میزان نقل توسط راویان و محدثان است. برای اثبات متواتر بودن اخبار، باید حلقات سند هر بخش گردآوری شود. با وجود دیدگاه منحصر نبودن در عدد خاص، یا اختلاف نظرها در

الكتاب المصنف في الأحاديث والآثار، ۳۳۸/۷؛ ابن ابی خثیمه، احمد بن زهير، أخبار المكيين، ۱۶۹/۱؛ طبرانی، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، ۹۳/۱۰؛...؛ شيباني، احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، ۷۶۴/۲؛ دمشقي، علي بن حسن، تاريخ مدينة دمشق، ۵۲۲/۴۲؛ بزار، احمد بن عمرو، البحر الزخار (مسند البزار)، ۳۲۲/۹؛ طبري، احمد بن عبد الله، ذخائر العقبى في مناقب ذوي القربى، ۵۸/۱؛ مالكي، علي بن صباغ، الفصول المهمة في معرفة الأئمة، ۱۱۱۴/۲؛ نيشابوري، محمد بن عبد الله، المستدرک على الصحيحين، ۵۲۸/۳، ۵۷۱؛ شيباني، احمد بن عمرو، الأحاد والمثاني، ۳۸۴/۵؛ طبري، محمد بن جرير، تاريخ الطبري، ۵۵/۱؛ دمشقي، اسماعيل بن كثير، البداية والنهاية، ۳۶/۳؛ منقري، نصر بن مزاحم، وقعة صقین، ۸۵/۱؛ مدائني، عز الدين بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، ۲۳۲/۱۳؛ کلاباذي، محمد بن ابی اسحاق، بحر الفوائد المشهور بمعاني الأخبار، ۳۱۳/۱؛ قرطبي، يوسف بن عبد البر، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، ۱۰۹۰/۳.

۱. تواتر از ریشه «و-ت-ر» در لغت به معنای فرد، در پی هم آمدن و پیاپی شدن است. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العين، ۱۳۲/۸؛ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۴۸. در دانش درایة الحدیث شیعه، اولین کتابی که به این بحث پرداخته، الرعاية شهید ثانی است. وی این تعریف را برای متواتر برنمایانده است: «خبری که راویان آن از نظر عدد به اندازه‌ای باشد که هم‌آهنگی و توطئه آنان بر دروغ‌گویی به گونه‌ی عادی محال باشد». عاملی، زین الدین بن علی، الرعاية في علم الدراية، ص ۶۷. پس از شهید ثانی، شیخ بهایی نیز تعریفی برای متواتر این چنین ارائه کرده است: «اگر سند خبر در هر طبقه به اندازه‌ای باشد که از هم‌آهنگی آن‌ها بر دروغ‌گویی در امان باشد، متواتر نام دارد» عاملی، بهاء الدین، الوجيزة في علم الدراية، ص ۴.

فرض پذیرش عدد^۱، عدد سی نزد اکثر عالمان پذیرفته است.^۲

بر اساس بررسی صورت گرفته، مجموعه اخبار تقدم اسلام امیرالمؤمنین علیه السلام بیش از ۱۰۰ مورد است^۳ که در آن‌ها بیش از ۳۰ صحابه، ۴۰ تابعی و ۸۰ نفر دیگر در طبقات بعدی ذکر شده‌اند. این اخبار با الفاظ و تعابیر گوناگون مانند: «أول من أسلم»، «أول المسلمين إسلاماً»، «أول الناس إسلاماً»، «أول من آمن بالله»، «أول المؤمنين إيماناً»، «أول الناس إيماناً»، «أول من آمن من الناس» انتقال یافته‌اند. اگرچه این اخبار واحد نیستند، اما بر «تواتر معنوی» دلالت دارند^۴؛ یعنی تمامی راویان با واژگان متفاوت بر حقیقت پیشتازی امیرالمؤمنین علیه السلام در ایمان به اسلام متفق‌اند.

براین اساس، تراکم موردنظر در گزارش متواتر حاصل شده و امیرالمؤمنین علیه السلام نخستین مسلمان و ایمان آورنده به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است.

۱. حافظیان، ابو الفضل، رسائل في دراية الحديث، ص ۱۵۸.

۲. شایان ذکر است هرچند که صحبت از عدد ۳۰ در منابع دانش درایة الحديث برای گونه‌ای خاص از تواتر نشده، ولی به نظر می‌رسد که این عدد، در تحقق همه گونه‌های حدیث متواتر قابل طرح باشد. چه اینکه برخی کمتر از این عدد را نیز متواتر دانسته‌اند. ر.ک: هیتمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقة، ۵۹/۱؛ اندلسی، علی بن احمد، المحکلی بالآثار، ۳۶۰/۱.

۳. لازم به ذکر است از بین این موارد، ۱۱ مورد آن از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، ۲۳ مورد آن از جانب خود امیرالمؤمنین علیه السلام، ۳ مورد آن از جانب حضرت زهرا علیها السلام، ۳ مورد از جانب امام حسن مجتبی علیه السلام و بیش از ۶۰ مورد آن هم از جانب صحابه و تابعین نقل شده است. برای آگاهی بیشتر از تعداد احادیث در این باره، ر.ک: امینی، عبدالحسین، الغدير في الكتاب والسنة والأدب، ۲۲۱/۳.

۴. لازم به ذکر است پس از شکل‌گیری تعریف خبر متواتر در منابع دانش درایة الحديث شیعه، به گاه ورود این بحث در منابع دانش اصول فقه، تقسیم بندی دیگری به این نوع خبر، وارد شد؛ تقسیم خبر متواتر به: متواتر لفظی و متواتر معنوی. در متواتر لفظی، راویان، مضمونی را در قالب الفاظ یکسان گزارش می‌دهند؛ اما در متواتر معنوی یک مضمون واحد در قالب الفاظ و عبارات گوناگون نقل می‌شود سبحانی، جعفر، أصول الحديث وأحكامه في علم الدراية، ص ۳۵. که این تطابق در معنا یا به دلالت تضمینی است و با به دلالت التزامی. آمدی، علی بن محمد، الإحكام في أصول الأحكام، ۴۳/۱؛ عاملی، حسن بن زین الدین، معالم الدین وملاذ المجتهدین، ص ۱۸۶؛ منتظری، حسینعلی، نهاية الأصول، ۴۲۶/۱.

۴-۴. بررسی سندی اخبار تقدم اسلام امیرالمؤمنین (علیه السلام)

بر اساس آنچه گذشت، مجموعه اخبار تقدم اسلام امیرالمؤمنین (علیه السلام) به دلیل ورود در جرگه روایات و گزارش های متواتر، حجیتش محرز است و ازاین رو بی نیاز از بررسی سندی است. بااین حال، با توجه به فراگیر شدن نظام اعتبارسنجی سندمحور در قرون متأخر، لازم است چند گزارش زیر بررسی شود. چراکه پس از اثبات صحت بخشی از اسناد خانوادۀ این روایات، می توان دیگر اسناد را حتی در صورت وجود خلل و ضعف، به عنوان «شاهد» و «مؤید» این دسته گزارش های معتبر در نظر گرفت و در مسیر اطمینان از صدور و حجیت آن به کار گرفت.

۴-۴-۱. روایت «معقل بن یسار»

روایت و گزارش معقل بن یسار (حدَّثنا عبد الله، حدَّثني أبي، ثنا أبو أحمد ثنا خالد بن طهمان، عن نافع بن أبي نافع، عن معقل بن يسار)^۱ درباره اول مسلمان بودن امیرالمؤمنین (علیه السلام)، از منظر عالمان و محدثان اهل سنت معتبر است. غزالی و عراقی در صحت آن نوشته اند: «احمد و طبرانی روایت معقل بن یسار را نقل کرده اند... و سند این روایت صحیح است».^۲ ابوبکر هیشمی نیز پس از نقل این حدیث، به توثیق راویان سند تصریح کرده است.^۳

۴-۴-۲. روایت «عبد الله بن عباس»

روایت عبد الله بن عباس^۴ نیز از منظر دانشمندان اهل سنت معتبر است. هیشمی پس از نقل آن نوشته است:

۱. شیبانی، احمد بن حنبل، المسند، ۴۲۲/۳۳؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ۲۲۹/۲۰؛ طبری، احمد بن عبد الله، الرياض النضرة في مناقب العشرة، ۱۶۰/۳؛ طبری، احمد بن عبد الله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، ۷۸/۱.

۲. غزالی، محمد بن محمد، إحياء علوم الدین، ۲۷۳/۳؛ عراقی، ابو الفضل، المغنی عن حمل الأسفار، ۹۲۰/۲.

۳. هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ۱۱۴/۹.

۴. صنعانی، عبد الرزاق بن همام، المصنف، ۱۵۷/۱۰؛ طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، ۲۵۷/۱۰.

«طبرانی و احمد بن حنبل قسمتی از این روایت را نقل کرده‌اند و رجال سند، رجال صحیح هستند»^۱، زیلعی حنفی نیز نوشته است: «از طریق عبد الرزاق و طبرانی آن را در معجم خود روایت کرده و حاکم پس ذکر آن در مستدرک، بر صحت آن تصریح کرده است»^۲.

۳-۴-۴. روایت «سلمان فارسی»

روایت سلمان فارسی^۳ نیز از نظر عالمان اهل سنت معتبر است؛ هیشمی پس از نقل آن می‌نویسد: «این روایت را طبرانی نقل کرده و روایانش موثق هستند»^۴.

نتیجه‌گیری

گزارش‌هایی که بر نخستین مسلمان بودن زید بن حارثه دلالت دارد، به دلیل ضعف سندی و خبر واحد بودن، و گزارش‌های دال بر اول مسلمان بودن ابوبکر، افزون بر ضعف سندی و خبر واحد بودن، و ناسازگاری با واقعیت‌های تاریخی، مردود است. همچنین گزارش‌های نخستین مسلمان بودن حضرت خدیجه عليها السلام، به دلیل خبر واحد بودن، قابل تعارض با روایات متواتر تقدم اسلام امیرالمؤمنین عليه السلام نیست. روایات و گزارش‌های تقدم اسلام امیرالمؤمنین عليه السلام با طرق و اسناد گوناگون در منابع متعدد نقل شده و تلاش راویان مختلف آن‌ها را تواتر معنوی بخشیده است. همچنین برخی از این اسناد به اعتراف اهل سنت صحیح هستند.

۱. هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ۲۴۱/۶.

۲. زیلعی، عبد الله بن یوسف، نصب الرأیة لأحادیث الهدایة، ۴۶۲/۳.

۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، ۲۶۵/۶؛ عبسی، عبد الله بن محمد، الکتاب المصنّف فی الأحادیث والآثار، ۳۷۱/۶.

۴. هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ۱۰۲/۹.

فهرست منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

امینی، عبد الحسین، الغدير في الكتاب والسنة والأدب، قم، مركز الغدير للدراسات الإسلامية، ۱۴۱۶ق.

بخاری، محمد بن اسماعیل، الضعفاء الصغیر، تحقیق محمود ابراهیم زاید، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۶ق.

بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت، دار الکتب العلمیة.

بغدادی، عبد الرحمن بن رجب، شرح علل الترمذی، تحقیق نور الدین عتر، چاپ اول، بی‌جا، دار الملاح، ۱۳۹۸ق-۱۹۷۸م.

بغدادی، یحیی بن معین، معرفة الرجال، تحقیق محمد کامل قصار و محمد مطیع حافظ، دمشق، مجمع اللغة العربية، ۱۴۰۵ق.

بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، تحقیق د. محمد حمید الله، معهد المخطوطات بجامعة الدول العربية، بالاشتراك مع دار المعارف بمصر (ضمن سلسلة ذخائر العرب، ۲۷)، ۱۹۵۹م.

بیابانی اسکویی، محمد، جایگاه عالم ذر و ارواح در فطرت توحیدی انسان، تهران، مؤسسه فرهنگی نبأ، ۱۳۹۴ش.

ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، تحقیق احمد بن محمد بن شاکر و محمد فؤاد عبدالباقی و ابراهیم عطوة عوض، چاپ دوم: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي، مصر، ۱۳۹۵ق.

توران، امداد، خلقت نوری پیامبر ﷺ و اهل البيت ﻪﻋﻠﻴﻬﻢﻭﺍﻟﻪﻳﺴﻼﻡ در اندیشه امامیه نخستین، چاپ اول: دار الحديث، قم، ۱۳۹۸ش.

جزری، علی بن محمد، أسد الغابة في معرفة الصحابة، تحقیق عادل احمد الرفاعي، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۱۷ق.

جزری، مبارک بن اثیر، جامع الأصول، تحقیق عبد القادر الارنؤوط، مكتبة الحلواني - مطبعة الملاح - مكتبة دار البيان، ۱۳۸۹هـ تا ۱۳۹۲هـ.

جوزی، عبد الرحمن بن علی، الضعفاء والمتروكون، تحقیق عبد الله القاضي، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۶ق.

حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله، المدخل إلى كتاب الإكليل، تحقیق د. فؤاد عبدالمنعم احمد، اسکندرية، دار الدعوة، برنامه الجامع الكبير.

---، المستدرك على الصحيحين، تحقيق مصطفى عبد القادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١١ق.

حسكاني، عبيد الله بن عبد الله، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، تحقيق محمد باقر محمودي، چاپ اول: التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، تهران، ١٤١١ق.

دارقطني، علي بن عمر، العلل الواردة في الأحاديث النبوية، تحقيق د. محفوظ الرحمن زين الله، رياض، دار طيبة، ١٤٠٥ق.

دمشقي، اسماعيل بن كثير، البداية والنهاية، تحقيق د. عبد الله بن عبد المحسن التركي، دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان، ١٤١٨ق.

دينوري، عبد الله بن مسلم، المعارف، تحقيق ثروت عكاشة، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٩٩٢م.

ذهبي، محمد بن احمد، الكاشف، تحقيق محمد عوامة، جده، دار القبلة للثقافة الإسلامية، مؤسسة علو، ١٤١٣ق.

---، المغني في الضعفاء، تحقيق الدكتور نور الدين عتر، بي جا، بي تا.

---، تذكرة الحفاظ، وضع حواشيه زكريا عميرات، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٩ق.

---، سير أعلام النبلاء، تحقيق شعيب الأرنؤوط و محمد نعيم العرقسوسي، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٣ق.

---، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، تحقيق علي محمد بجاوي، بيروت، دار المعرفة للطباعة والنشر، ١٣٨٢ش.

رازي، عبد الرحمن بن ابي حاتم، الجرح والتعديل، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ١٢٧١ق.

راغب اصفهاني، حسين بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول: دار القلم، بيروت، ١٤١٢ق.

زهرى، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقيق الدكتور علي محمد عمر، قاهره، مكتبة الخانجي، ١٤٢١ق.

شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٠ق.

شيباني، احمد بن حنبل، الجامع في العلل ومعرفة الرجال، تصحيح محمد حسام بيضون، بيروت، مؤسسة الكتب الثقافية، ١٤١٠ق.

---، المسند، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٦ق.

---، فضائل الصحابة، تحقيق: د. وصى الله محمد عباس، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٣ق.

شيباني، على بن محمد، اللباب في تهذيب الأنساب، چاپ سوم: دار صادر، بيروت، ١٤١٤ق.

صدوق، محمد بن على، الخصال، چاپ اول، قم، ١٣٦٢ش.
صنعاني، عبد الرزاق بن همام، المصنّف، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، قاهره، مكتبة ابن تيمية، بى تا.

طبراني، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، تحقيق حمدى بن عبد المجيد، موصل، مكتبة الزهراء، ١٤٠٤ق.

طبرى، احمد بن عبد الله، الرياض النضرة في مناقب العشرة، تحقيق عيسى عبد الله محمد مانع حميرى، بيروت، دار الغرب الإسلامى، ١٩٩٦م.

---، ذخائر العقبى في مناقب ذوي القربى، مصر، دار الكتب المصرية.
طبرى، محمد بن جرير، تاريخ الطبري (تاريخ الرسل والملوك)، تحقيق محمد ابو الفضل ابراهيم، مصر، دار المعارف، ١٣٨٧ق.

طوسى، محمد بن حسن، الأمالي، چاپ اول، قم، ١٤١٤ق.
عاملى، جعفر مرتضى، الصحيح من سيرة النبي الأعظم ﷺ، بيروت، دار الهادي - دار السيرة، ١٤١٥ق.

عبدى، جواد، شرح آفرينش نورانى پیامبر اکرم ﷺ و اهل بيت ﺍﻟﻤﻮﺗﻪ، چاپ اول: آبانه، ١٤٠٠ش.

عبسى، عبد الله بن محمد، الكتاب المصنّف في الأحاديث والآثار، تحقيق كمال يوسف الحوت، رياض، مكتبة الرشد، ١٤٠٩ق.

عراقى، ابو الفضل، المغني عن حمل الأسفار، تحقيق اشرف عبد المقصود، رياض، مكتبة طبرية، ١٤١٥ق.

عسقلانى، احمد بن على بن حجر، تقريب التهذيب، تحقيق محمد عوامة، سوريا، دار الرشيد، ١٤٠٦ق.

---، تهذيب التهذيب، به كوشش: ابراهيم الزبيق و عادل مرشد، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤٣٥ق.

عقيلى، محمد بن عمرو، الضعفاء الكبير، تحقيق عبد المعطي أمين قلعجي، بيروت، دار المكتبة العلمية، ١٤٠٤ق.

غزالى، محمد بن محمد، إحياء علوم الدين، بيروت، دار المعرفة.

فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین وبصيرة المتعظین، چاپ اول، قم، ۱۳۷۵ ش.

فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم: نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ ق.
قرطبی، یوسف بن عبد البر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد بجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.

کراجکی، محمد بن علی، کنز الفوائد، تحقیق عبد الله نعمه، چاپ اول: دار الذخائر، قم، ۱۴۱۰ ق.

کلاباذی بخاری، محمد بن ابی اسحاق، بحر الفوائد المشهور بمعانی الأخبار، تحقیق محمد حسن اسماعیل و احمد فريد المزیدي، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
مالکی، علی بن صباغ، الفصول المهمة فی معرفة الأئمة، تحقیق سامی الغریزی، قم، دار الحديث، ۱۴۲۲ ق.

مدائنی، عز الدین بن هبة الله، شرح نهج البلاغة، چاپ اول، قم، ۱۴۰۴ ق.
مزی، یوسف بن زکی، تهذیب الکمال، تحقیق د. بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۰ ق.

مفید، محمد بن محمد، الفصول المختارة، چاپ اول: المؤتمر العالمی لألفية الشيخ المفید، قم، ۱۴۱۳ ق.

منقری، نصر بن مزاحم، وقعة صفین، تحقیق هارون عبد السلام محمد، چاپ دوم: مكتبة آيت الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۴ ق.

موصلی، احمد بن علی، مسند أبي يعلى الموصلي، تخريج و تعليق سعيد بن محمد السناري، قاهره، دار الحديث، ۱۴۳۴ ق.

نسائی، احمد بن شعیب، السنن الكبرى، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ ق.
هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، قاهره، بیروت، دار الریان للتراث / دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ ق.

مقالات

حسینی، سید کریم حسین، «نخستین مؤمن و آگاهانه ترین ایمان»، صراط، ۱۳۹۲ ش.
طبسی، محمد محسن، «نخستین یار پیامبر ﷺ کیست؟»، کوثر، ۵۶، ۱۳۸۱ ش.
غفوریان، حسین / طبسی، محسن، «اعتبارسنجی احادیث تقدم اسلام امیرالمؤمنین علیه السلام در منابع اهل سنت»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی امامت پژوهی، شماره ۳۱ بهار و تابستان ۱۴۰۱ ش.